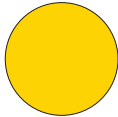


کاشی ایرانی بر دیوار عراقی ها و اماراتی ها

دو شرکت سعدی و سرام آرا توانستند برند ایرانی را در بازارهای پرتلاطم عراق، عمان، امارات و افغانستان تثبیت کنند. رمز موفقیت؛ تنوع در سبد محصولات و استراتژی صادرات محور

یادداشت

O P I N I O N



عباس کشاورز

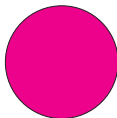
معاون مرکز ملی مطالعات آب اتاق ایران

ریاضت آبی

نسخه بقادر خشکسالی

بحران آب در ایران دیگر صرفاً نه یک مسأله محیط زیستی بلکه به تهدیدی امنیتی، اجتماعی و اقتصادی بدل شده است. با کاهش شدید منابع تجدیدپذیر، خشک شدن رودخانه‌ها، افت بی‌سابقه سطح آب‌های زیرزمینی و رشد نگران کننده فرونشست زمین در بیش از ۴۰۰ دشت کشور، دیگر نمی‌توان با اقدامات نمایشی یا پروژه‌های غیرپایدار به مصاف این بحران رفت. آب، حیاتی‌ترین و غیرقابل جایگزین‌ترین منبع طبیعی، امروز به نقطه بی‌ بازگشت نزدیک شده و این وضعیت حاصل بیش از نیم‌قرن توسعه سطحی، غفلت از بهره‌وری و بی‌توجهی به ظرفیت‌های واقعی سرزمین است. مطالعات مؤسسه آینده‌پژوهی کشور نشان می‌دهد منابع آب ایران به‌شدت تحت تأثیر تغییرات اقلیمی و بهره‌برداری غیراصولی قرار گرفته‌اند. در دهه ۱۳۶۰، حدود ۹۴ میلیارد مترمکعب آب در رودخانه‌های کشور جریان داشت، اما امروز این رقم به کمتر از ۵۰ میلیارد مترمکعب رسیده است. رودخانه‌هایی که در گذشته دائمی بودند، اکنون یا خشک شده‌اند یا به صورت مقطعی آب دارند. حتی سفیدرود و کارون، به عنوان آخرین ذخایر جریان دائمی، در برخی سال‌ها کاملاً از جریان افتاده‌اند. در همین بازه، تعداد چاه‌ها از ۵۰ هزار به بیش از یک میلیون حلقه رسیده و برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی بین ۱۴۰ تا ۳۵۰ میلیارد مترمکعب تخمین زده می‌شود؛ رقمی که به تهدیدی ساختاری برای حیات کشور بدل شده است.

مقصر اصلی، اما فقط تغییرات اقلیمی نیست. شیوه‌های ناکارآمد بهره‌برداری، سیاست‌های نادرست کشاورزی و رشد بی‌ضابطه اراضی آبی، فشار مضاعفی بر منابع وارد کرده است. تنها در یک دهه گذشته، حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار به اراضی آبی کشور افزوده شد که شامل ۸۰۰ هزار هکتار باغ و ۴۰۰ هزار هکتار کشت محصولات آب‌بر نظیر برنج، جالیز و علوفه است. این مسیر، بر خلاف منطق منابع و ظرفیت سرزمین، کشور را به نقطه انفجار رسانده است. راهکار خروج از این بحران نه در انتقال آب از خلیج فارس یا بارورسازی ابرها بلکه در مدیریت تقاضا و ریاضت آبی است. مصرف آب کشاورزی باید طی ۱۰ سال از ۸۰ به زیر ۵۰ میلیارد مترمکعب کاهش یابد. بسته سیاستی تدوین‌شده با مشارکت سازمان‌های بین‌المللی و متخصصان داخلی، کاهش حداقل یک میلیون هکتار از سطح زیرکشت را هدف گذاری کرده است؛ بدون آسیب به امنیت غذایی. تغییر نوع محصول، فصل و مکان کشت، توسعه گلخانه‌ها و اصلاح زنجیره ارزش، بخشی از این مسیر است. تنها با تغییر نگاه از توسعه کمی به پایداری، می‌توان امید داشت که ایران از این پیچ خطرناک تاریخی عبور کند.



رامین بیات

روزنامه نگار

“

کاشی سعدی و سرام آرا با صادرات محور و نوآوری، بازارهای منطقه‌ای را در سال ۱۴۰۳ فتح کردند

در سال ۱۴۰۳، شرکت‌های کاشی و سرامیک سعدی و صنایع سرام‌آرا، زیرمجموعه هلدینگ تاصیکو (وابسته به شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی)، با وجود ناترازی انرژی، حضوری قدم‌تند در بازار منطقه‌ای کاشی و سرامیک رقم زدند. این دو شرکت با استراتژی‌های، مدیریت بحران‌های داخلی و تمرکز بر صادرات به عراق، عمان، امارات و افغانستان، نه تنها موانع را پشت سر گذاشتند بلکه جایگاه ایران را به عنوان بازیگری کلیدی در صنعت سرامیک منطقه تثبیت کردند.

شرکت کاشی و سرامیک سعدی و صنایع سرام‌آرا در سال ۱۴۰۳ با چابکی از تنگناهای تولید عبور کردند. سعدی با ثبت رشد ۲۵ درصدی سود خالص و افزایش ۳۰ درصدی فروش صادراتی، بازارهای عمان، امارات و افغانستان را فتح کرد. راه‌اندازی خط تولید کاشی پولیشی، تنوع سبد محصولات این شرکت را افزایش داد و ارزش افزوده‌ای چشمگیر به ارمغان آورد. از سوی دیگر، سرام‌آرا با جهش ۱۱۱ درصدی تولید و رشد ۸۸ درصدی درآمد عملیاتی، عملکردی درخشان داشت. معرفی کاشی مینیاتوری، محصولی خلاقانه، این شرکت را در بازار عراق به نامی پرآوازه بدل کرد. هر دو شرکت با تکیه بر صادرات، ارتقای کیفیت و شناخت دقیق بازارهای هدف، برند خود را در منطقه تثبیت کردند.

صادرات؛ کلید رشد پایدار

استراتژی صادرات محور، مزایای متعددی برای تاصیکو به همراه داشت. اول، درآمدهای ارزی، نقدینگی شرکت‌ها را تقویت کرد و امکان سرمایه‌گذاری در طرح‌های توسعه‌ای نظیر خط تولید کاشی پولیشی سعدی را فراهم آورد. دوم، گسترش بازار به کشورهای جدید، وابستگی به بازار داخلی را کاهش داد و تنوع مشتریان را افزایش داد. سوم، حضور در عرصه بین‌المللی، اعتبار برندهای تاصیکو را ارتقا بخشید و درهای همکاری‌های منطقه‌ای را

گشود. چهارم، تقاضای صادراتی، بهره‌وری تولید را بهبود داد و انگیزه نوآوری در طراحی محصولات را تقویت کرد. در نهایت، پایداری مالی ناشی از صادرات، این شرکت‌ها را در برابر نوسانات اقتصادی داخلی مقاوم‌تر کرد. افزایش سهم صادرات در درآمد این شرکت‌ها، گواهی بر کیفیت برتر محصولات و توان رقابتی صنعت کاشی و سرامیک ایران در منطقه است. رقابت در بازارهایی مانند عراق و امارات که مملو از برندهای جهانی و محصولات متنوع است، بدون کیفیت بالا، طراحی به‌روز و خدمات پس از فروش مؤثر ممکن نیست. کاشی مینیاتوری سرام‌آرا که با استقبال گسترده در عراق روبه‌رو شد، نمونه‌ای از این موفقیت است. این شرکت با بهره‌گیری از کارشناسان طراحی صنعتی و بازاریابی منطقه‌ای، محصولی متناسب با سلیقه مصرف‌کنندگان عرب‌زبان عرضه کرد که نشان‌دهنده بلوغ استراتژیک در تولید و صادرات



است. کاشی پولیشی سعدی نیز با پاسخ به تقاضای روبه رشد برای محصولات لوکس، جایگاه این شرکت را در بازار تثبیت کرد.

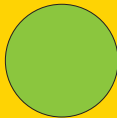
نوآوری؛ موتور محرک تولید

توسعه درون‌زا، رکن دیگری در موفقیت تاصیکو بود. طرح‌های توسعه‌ای سعدی از جمله افزایش ظرفیت تولید کاشی پولیشی و نوسازی تجهیزات، بهره‌وری را بالا برد و ضایعات تولید را کاهش داد. سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات پیشرفته و فناوری‌های نوین، امکان تولید محصولات با کیفیت بالاتر و قیمت رقابتی‌تر را فراهم کرد. همچنین آموزش نیروی انسانی، تقویت سیستم‌های کنترل کیفیت و استقرار نظام‌های مدیریت بهره‌وری، جایگاه این شرکت‌ها را در زنجیره تأمین صنعت ساختمان مستحکم‌تر کرد.

سرام‌آرا نیز با نوآوری، گامی بلند برداشت. کاشی

با سرمایه‌گذاری شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی و مدیریت گروه مالی صبا تأمین کلید خورد

نسل نوین صندوق‌های بازنشستگی در ایران



مهدیار عبدالهی

روزنامه نگار

نظام‌های بازنشستگی در سراسر جهان با چالش‌های عمیقی مواجه شده‌اند که ریشه در تغییرات جمعیتی و تحولات اقتصادی دارد. کاهش نسبت جمعیت فعال به بازنشستگان، افزایش طول عمر و فشارهای مالی ناشی از این روندها، نیاز به بازنگری و ایجاد سازوکارهای نوین در تأمین مالی بازنشستگی را اجتناب‌ناپذیر کرده است. صندوق‌های سرمایه‌گذاری بازنشستگی مکمل یا ارائه راهکارهای متنوع سرمایه‌گذاری و مدیریت حرفه‌ای دارایی‌ها می‌توانند علاوه بر بهبود رفاه فردی، به تعادل مالی و پایداری کل نظام بازنشستگی کمک کنند. توسعه چنین صندوق‌هایی زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا افراد با امنیت خاطر بیشتری به آینده مالی خود بیندیشند و نظام‌های اجتماعی بتوانند با فشار کمتری به وظایف خود عمل کنند. سیدگردان اندیشه صبا به عنوان تنها سیدگردان در گروه مالی صبا تأمین و زیرمجموعه شستا، صندوق اندیشه تأمین را با عنوان اولین صندوق بازنشستگی تکمیلی با همراهی شرکت بزرگ کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران پذیره‌نویسی خواهد کرد. این صندوق با ساختار «صندوق در صندوق» (FOF) فعالیت خود را آغاز خواهد کرد.

نگاهی فراتر از پس‌انداز سنتی

مهران کلایی کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با آتی‌هنودر مورد ماهیت این صندوق‌ها می‌گوید: «درحالی‌که دغدغه حفظ قدرت خرید و تأمین معیشت دوران بازنشستگی همواره یکی از چالش‌های اصلی نیروی کار کشور بود، راه‌اندازی این صندوق‌ها می‌تواند رویکردی هوشمندانه در برابر نوسانات اقتصادی و تورم مزمن سال‌های اخیر تلقی شود.»

او افزود: «به جای اتکا به روش‌های سنتی پس‌انداز که در عمل با کاهش ارزش واقعی پول همراه هستند، صندوق اندیشه تأمین امکان بهره‌مندی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری در صندوق‌های موفق بازار سرمایه را برای کارکنان فراهم می‌کند.»

کلایی با اشاره به اینکه آنچه این صندوق را از دیگر

عمومی از ابزارهای نوین مالی را هموار می‌سازد.»

چشم‌انداز توسعه نظام بازنشستگی

صندوق‌های سرمایه‌گذاری بازنشستگی به عنوان یکی از ابزارهای مالی نوین، علاوه بر تأمین منافع فردی برای سرمایه‌گذاران می‌توانند نقش بسیار مهم و اثرگذاری در تقویت بنیان‌های مالی و نهادی نظام بازنشستگی کشور ایفا کنند. با توجه به روندهای جمعیتی نگران‌کننده، همچون کاهش نرخ باروری، افزایش امید به زندگی و روند روبه رشد جمعیت سالمند، ساختار سنتی مبتنی بر پرداخت‌های انتقالی (pay-as-you-go) در حال از دست دادن پایداری خود است.

فشار فزاینده بر صندوق‌های بازنشستگی دولتی از یک‌سو و محدودیت منابع مالی عمومی از سوی دیگر، لزوم بازنگری و اصلاح ساختار تأمین مالی دوران بازنشستگی را به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده است. در چنین بستری، صندوق‌های بازنشستگی مکمل می‌توانند با ایفای نقشی کلیدی، به عنوان مکملی برای مستمری‌های پایه عمل کنند و بخشی از بار تأمین مالی را از دوش دولت‌ها بردارند. این صندوق‌ها با فراهم‌سازی فرصت‌های متنوع سرمایه‌گذاری برای افراد در دوره فعالیت اقتصادی‌شان، نه تنها امکان تشکیل پس‌انداز مؤثر و برنامه‌ریزی مالی بلندمدت را فراهم می‌آورند بلکه موجب ارتقاء فرهنگ مالی در جامعه نیز می‌شوند. سرمایه‌گذاران به جای اتکا صرف به وعده‌های آتی دولت، به نقش خود در تأمین آینده مالی‌شان آگاه و از این رهگذر، حس مسئولیت‌پذیری مالی و آینده‌نگری در سطح جامعه تقویت می‌شود.

تأثیر کلان بر اقتصاد ملی

از منظر کلان، ورود منابع بلندمدت این صندوق‌ها به بازار سرمایه، موجب افزایش عمق بازارهای مالی، بهبود نقدشوندگی و تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی می‌شود؛ به‌ویژه در شرایطی که اقتصاد با محدودیت منابع بانکی مواجه است، هدایت این سرمایه‌های مولد به سمت فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی می‌تواند اثرات مثبتی بر

رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و ارتقاء بهره‌وری داشته باشد. بدین ترتیب، صندوق‌های بازنشستگی مکمل نه‌فقط ابزاری برای رفاه فردی بلکه محرکی برای توسعه پایدار اقتصادی محسوب می‌شوند. در عین حال، با کاهش وابستگی بازنشستگان به پرداخت‌های دولتی، فشار فزاینده‌ای که در دهه‌های آتی بر بودجه عمومی و منابع صندوق‌های بازنشستگی سنتی وارد خواهد شد، تا حد قابل توجهی کنترل می‌شود.

این امر به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا منابع خود را به صورت هدفمندتری در حوزه‌های حساس‌تری مانند بهداشت، آموزش و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر تخصیص دهند. همچنین تقویت نظام‌های بازنشستگی مکمل می‌تواند در بلندمدت زمینه‌ساز اصلاحات ساختاری عمیق‌تر در نظام رفاه اجتماعی باشد.

الزامات موفقیت و اعتمادسازی

در نهایت، توسعه صندوق‌های بازنشستگی مکمل نیازمند طراحی دقیق، نظارت مؤثر و اعتمادسازی عمومی است. سیاست‌گذاران باید با ارائه مشوق‌های مالیاتی، ارتقاء شفافیت عملکرد این صندوق‌ها و تقویت سازوکارهای نظارتی، اطمینان عمومی نسبت به عملکرد و بازدهی این نهادها را افزایش دهند. تنها در چنین شرایطی است که این ابزارها می‌توانند نقش چندجانبه و پایداری را در اقتصاد و رفاه اجتماعی ایفا کنند.

صندوق اندیشه تأمین با تکیه بر مدیریت حرفه‌ای، شفافیت و انعطاف‌پذیری، نه‌تنها به نیازهای مالی کارگران و کارمندان پاسخ می‌دهد بلکه به عنوان یک ابزار مالی نوین، راه را برای اصلاح نظام بازنشستگی و توسعه اقتصادی هموار می‌کند. این ابتکار که با همکاری گروه مالی صبا تأمین و کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته، می‌تواند الگویی برای سایر نهادها باشد تا با بهره‌گیری از ابزارهای مشابه، آینده‌ای پایدارتر برای جامعه رقم زنند. با توجه به چالش‌های پیش‌رو، توسعه این صندوق‌ها نه‌تنها یک انتخاب بلکه یک ضرورت برای تضمین رفاه نسل‌های آینده است.